

اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام رضا (ع)

رضا معینی رودبالی^{۱*}، امرالله اندرزیان^۲، محمد بهروزی^۳

چکیده

در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام، به عنوان رهبران دینی - سیاسی جامعه مسلمانان، اصول زیربنایی وجود دارد که به اندیشه و تفکرات آنان قوام بخشیده و عامل توسعه علمی - فرهنگی حکومت و جامعه اسلامی است. این نوشتار کوشیده است تا با تحقیق در منابع روشن کند که چه اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره و کلام امام رضا (ع) قابل استخراج است و هدف غایی از تربیت اخلاقی آن حضرت چه می‌باشد؟ یافته‌ها حاکی است، سیره امام رضا (ع) اصول و روش‌های تربیتی متعددی را در بر می‌گیرد، که در این مقاله به ۶ اصل مهم و روش‌های تربیتی قابل استخراج از آنها پرداخته شد. اصل اول عبودیت است و روش‌های تربیتی ناظر به آن، روش دعا و توکل می‌باشد. اصل دوم، اصل زهد و تقوا می‌باشد و روش‌های ناظر بر آن، روش دوری از ریا و روش پرهیز از گناه است. اصل سوم اصل تذکر است و روش ناظر بر آن، روش میانه روی در کارها و روش نرمش قهرمانانه است و روش انذار است. اصل چهارم اصل اعتدال می‌باشد و روش ناظر بر آن، روش میانه روی در کارها و روش نرمش قهرمانانه است و سرانجام اصل ششم، اصل عزت است که روش‌های تربیتی ناظر بر آن، روش تکریم شخصیت افراد، روش نپذیرفتن ظلمت و سرانجام روش احترام به آزادی دیگران می‌باشد. هدف غایی تربیت اخلاقی در سیره و کلام امام رضا (ع)، نیز قرب به خداوند و کسب فضایل اخلاقی و کمالات الهی است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلید واژه‌ها: امام رضا (ع)، اخلاق، تربیت اخلاقی، اصول تربیت، روش‌های تربیت.

۱. استادیار گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه یاسوج

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم تربیتی از دانشگاه شیراز

* نویسنده مسئول: moeini.reza.60@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹

مقدمه

بدون تردید سازندگی درونی انسان و اصلاح و تهذیب نفس او در سعادت فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی او نقش به‌سزایی دارد. به طوری که اگر انسان تمامی علوم را تحصیل کند و کلیه نیروهای طبیعت را به تسخیر خویش درآورد؛ اما از تسخیر درون و تسلط بر نفس خود ناتوان باشد، از رسیدن به سعادت و نیل به کمال باز خواهد ماند. از این رو تربیت روحی و اخلاقی انسان برای هر جامعه‌ای امری به غایت جدی و حیاتی است.

اهمیت اخلاق و تربیت اخلاقی به اسلام و جامعه‌های اسلامی اختصاص ندارد. تجربه نشان داده است که انسان، خواه به دینی آسمانی متدین باشد یا نباشد، هیچ‌گاه حتی در دوره مدرن و پسامدرن از تربیت اخلاقی بی‌نیاز نیست. در دوران معاصر در کشورهای غربی به دنبال پیشرفتهایی که در زمینه علوم تجربی به دست آمد، بتدریج اصول اخلاقی و توجه به فضایل و به دنبال آن توجه به تربیت اخلاقی، کمرنگ شده است.

به نظر دانشمندان، علم اخلاق برترین علم است. ابن مسکویه در این باره می‌گوید: «این علم از همه‌ی علوم برتر است و به نیکو کردن رفتار انسان از آن جهت که انسان است می‌پردازد» (ابن مسکویه، ۱۴۲۲: ۵۵). بدین جهت دانشمندان مسلمان به دانشجویان توصیه می‌کنند که قبل از فراگیری هر علمی به آموختن اخلاق و تزکیه نفس بپردازند. اخلاق جمع خلق است. خلق، حالت و کیفیتی باطنی است که با چشم سر و حواس ظاهری قابل مشاهده نیست؛ در مقابل آن واژه خلق قرار دارد که به معنای حالت و کیفیت محسوس اشیا است (طریحی، ۱۳۸۷، ۴۱۵/۱) در زبان فارسی «سیرت» در معنای خلق و «صورت» در معنای خلق به کار می‌رود. در تربیت اخلاقی مجموعه‌ای از تدابیر و اقدامات تربیتی برای رشدآگاهی و نگرش اخلاقی و صفات و ملکات اخلاقی شایسته است. تربیت اخلاقی از اساسی‌ترین ارکان فرهنگ بشر است. به همین دلیل این موضوع از دیر باز در فرهنگ اسلامی و نیز سایر کشورها مورد توجه پژوهشگران بوده است.

تربیت اخلاقی در آثار مسلمانان بخشی از علم اخلاق بوده و در ضمن آن مطرح می‌شده است. به همین جهت، «تربیت اخلاقی» به عنوان رشته‌ای مفهومی نسبتاً تازه است و تا چند سال پیش، این اصطلاح در این معنا کاربرد نداشته است، هر چند واژه‌هایی مانند تهذیب اخلاق، تهذیب نفس، تزکیه و حتی تربیت به کار رفته است به نظر می‌سد این واژه ترجمه Moral Education است و به سبب آشنایی متفکران تربیتی معاصر با آرا و اندیشه‌های تربیتی متفکران غرب، وارد فرهنگی تربیتی مسلمانان و از جمله ایرانیان شده است. حال اگر بخواهیم تربیت اخلاقی را رشته‌ای مستقل از اخلاق در نظر بگیریم و آن را بر اساس دیدگاه مسلمانان تعریف کنیم، تربیت اخلاقی «مجموعه‌ای از فعالیت‌های تربیتی به منظور از میان بردن صفات‌های ردیلت و ایجاد صفات‌های فضیلت» است. بعد از انبیاء و اوصیاء الهی فلاسفه و اندیشمندان مختلف اعم از پیروان مکاتب الهی و پیروان مکاتب مادی هر یک با بینش و اهداف خاص خود از تربیت و اخلاق سخن گفته و اهداف، اصول و روش‌هایی را برای آن ارائه داده‌اند. گرچه عده‌ای دیگر امکان تربیتی اخلاقی و ارزشی را منتفی می‌دانند. به عنوان مثال در قرن پنجم پیش از میلاد سوفسطاییان از اخلاق سخن گفته‌اند اما نه در تأیید آن، بلکه می‌گفتند اخلاق، زنجیری است که ضعفاً برای به بند کشیدن اقویا ساخته‌اند (دادبه، ۱۳۶۹، ص ۵۵).

در مورد اندیشه سیاسی امام رضا (ع) لازم به ذکر است که فضای سیاسی حاکم در عصر هارون بر پایه سخت‌گیری به شیعیان، قیام‌های علوی و شهادت امام کاظم علیه السلام، باعث گردید تا نگاه عامه مردم به دستگاه خلافت نگاهی بغض‌آلود گردد. این اقدامات خشم زیاد علویان از دستگاه عباسی را در پی داشت. از دیگر سو، علاوه بر شیعیان، مردم عامه نیز برای خاندان رسالت احترامی ویژه قایل بودند. از این رو، این فضا باعث شد تا در زمان مأمون مقداری از تنش سیاسی نسبت به شیعیان و علویان کاسته شود. یکی از اقدامات سیاسی امام رضا علیه السلام، در فضای ایجادشده، تربیت شاگردان، گسترش تشیع و تبیین اندیشه و رفتار سیاسی شیعه در برابر حاکمیت ظالم و تبیین مسئله امامت و ولایت بود. ایشان با هدف روشن کردن جایگاه و معنا مفهوم امامت به مشروعیت این مقام برای خلافت پرداختند. لازمه طبیعی پرداختن به این موضوع، تبیین عدم مشروعیت خلافت بنی عباس بود. امام در برابر قیام‌های علویان در شرایط خاص آن دوره هیچ‌یک از آنها را تأیید نمودند و در مقابل آنان موضع‌گیری کردند. مهم‌ترین نتیجه اقدامات سیاسی امام، برون رفت شیعه برای مدتی کوتاه از فضای سیاسی تقیه، تبیین اندیشه سیاسی امام و گسترش تشیع بود (فرمی‌هنی فراهانی و یآوری سرتختی (۱۳۹۳: ۸۱)).

در موضوع اندیشه اخلاقی آن امام همام نیز باید گفت، امام رضا علیه السلام به اخلاق عالی و ممتاز، آراسته بودند، و بدین سبب دوستی عام و خاص را، به خود جلب کردند، همچنین انسانیت آن حضرت، یگانه و بی مانند بود، و در حقیقت تجلی روح نبوت، و مصداق رسالتی بود که خود آن حضرت، یکی از نگهبانان و امانت داران و وارثان اسرار آن به شمار می رفت. از ابراهیم بن عباس صولی (از اصحاب آن حضرت) نقل شده، که گفته است:

من ابوالحسن الرضا علیه السلام را هرگز ندیدم در سخن گفتن، با کسی درشتی کنند.

من ابوالحسن الرضا علیه السلام را هرگز ندیدم سخن کسی را پیش از فراغ از آن، قطع کند.

هرگز درخواست کسی را، که قادر به انجام دادن آن بود، رد نفرمودند.

هرگز پاهای خود را، جلو هم نشین، دراز نمی کردند.

هرگز در برابر هم نشین تکیه نمی کردند.

هرگز او را ندیدم، که غلامان و بردگان خود را بد گویند.

هرگز او را ندیدم، که قهقهه بزند، بلکه خنده اش تبسم بود.

تا آنجا که می گوید: هر که بگوید در فضیلت، کسی را مانند او دیده، از او باور نکنید (مجلسی، ۱۳۸۶: ۹۱-۹۰).

در این پژوهش سعی شده است با تحقیق در اندیشه های یکی از ذخایر تابناک امامیه [امام رضا (ع)] - که به طور مشخص از تربیت اخلاقی سخن گفته اند و می تواند راهگشای ما در تهیه اصول و روش های نظام تربیتی اخلاق باشد، - به سؤالات پژوهشی ذیل پاسخ داده شود:

۱. اصول تربیت اخلاقی که آن حضرت مطرح کرده اند، شامل چه اصولی است؟

۲. این اصول اخلاقی بر اساس کدام روش های تربیتی قابل تبیین است؟

فرضیه های تحقیق

۱. اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه امام رضا (ع) عبارت است از: اصل عبودیت، اصل زهد و تقوا، اصل تذکر، اصل اعتدال، اصل عزت.

۲. روش های تربیت اخلاقی عبارت است از: روش دعا، روش توکل، روش دوری از ریا، روش پرهیز از گناه، روش سپاس نعمت های خدا، روش انذار و تبشیر، روش میانه روی در کارها، روش نرمش قهرمانانه، روش تکریم شخصیت افراد، روش نپذیرفتن ذلت، روش احترام به آزادی دیگران.

در این پژوهش هدف در تعلیم و تربیت «به معنای وضع نهائی و مطلوبی است که سودمند تشخیص داده شده و برای رسیدن به آن فعالیت های مناسب تربیتی انجام می گیرد» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۶). اصول قاعده ای عامه ای است که می توان به منزله ی دستورالعمل کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنما استفاده کرد. اصول در علوم تربیتی به شکل قضیه هایی که حاوی (پایه) است بیان می شود (باقری، ۱۳۸۲: ۶۹) اصل به بیان یکی از ویژگی های عمومی انسان می پردازد. روش ها نیز دستور العمل هایی هستند که به ما می گویند که برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید بکنیم. روش ارتباط منطقی و نظم بیشتری در ارائه ی مطلب فراهم می آورد. در توضیح اصول و روش ها تلاش شده است که با آوردن احادیث و روایات متناسب به امام رضا (ع) این اصول و روش ها مستند شود.

در مورد مقاله حاضر تاکنون پژوهش های چندی صورت گرفته است. پایان نامه ارشد سعیده داوودی راد با عنوان «تربیت اخلاقی در صحیفه ی کامله سجادیه» به ملاک و محور تربیت اخلاقی از منظر امام سجاد (ع) توجه نموده است. معصومه صمدی و دیگران در مقاله ای با عنوان: «مبانی، اصول و روش های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)» مبانی، اصول و روش های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را مورد بررسی قرار داده اند (صمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۴-۳۷) اسماعیل نساجی زواره در مقاله: «راهبردهای تکریم شخصیت در سیره معصومین (ع)» ضمن اشاره به رعایت اصل احترام و تکریم شخصیت آدمی در فرایند تربیت، به سیره معصومین در این بعد عطف توجه نشان داده است (نساجی زواره، ۱۳۸۴، ش ۲۸۹).

محمد ناصر حسینی علائی هم در مقاله خود با عنوان: «سیره معصومان [امام رضا (ع)]» بیشتر به زندگینامه آن حضرت توجه

نشان داده و به صورت بسیار مختصر از مکارم اخلاقی و علم و دانش بیکران آن حضرت سخن رانده است (حسینی علانی، ۱۳۸۲: ۱۹-۱۳).

همانگونه که ملاحظه می‌گردد پژوهش‌های فوق، به صورت ویژه به سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا (ع) پرداخته‌اند. بنابراین این مقاله به این مهم توجه نشان داده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

تعلیم و تربیت به طور عام به خاطر نقش انکار ناپذیری که در زندگی بشر دارد، از جایگاه خاص در میان علوم برخوردار است. تعلیم و تربیت اسلامی به ویژه تربیت اخلاقی مهمترین عرصه تعلیم و تربیت است. بی‌گمان شخصیت ما پیوسته می‌روید، بزرگ می‌شود و می‌رسد. اما رسیدن به سعادت انسانی، بدون اصلاح نفس و سازندگی اخلاقی امری غیر ممکن خواهد بود. در اهمیت و ارزش تربیت همین بس که قرآن کریم محور دعوت پیامبران را عموماً و پیامبر عظیم الشان را خصوصاً «تربیت و تکمیل فضائل اخلاقی» قرار داده است. (ادیب، ۱۳۹۳: ۱۱)

بحث و بررسی در باره شیوه‌های خاص تربیت اخلاقی از دیدگاه امام رضا (ع) تلاشی است در راستای استفاده از این مفاهیم به عنوان قالب‌های توانمند برای تدوین و تنظیم نظریه‌های تربیتی مکتب انسان ساز اسلام. بدیهی است که جامعه امروز ما به عنوان بخشی از اجتماع بشری که در عصر ارتباطات به سر می‌برد و از کوچکترین تغییری در تمامی عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فوراً آگاه می‌شود، ناگزیر از جریانها و اندیشه‌های گوناگون بشری تأثیر می‌پذیرد و چنین نگرشی عملاً بر تعلیم و تربیت سایه می‌افکند؛ به گونه‌ای که در نظام آموزشی جنبه‌های تربیت درونی و تربیت اخلاقی تحت الشعاع قرار گرفته است. بنابراین نیاز به خودسازی تربیتی منتهی به سعادت می‌شود. بر همین اساس معرفی اندیشمندان بزرگ اسلامی چون امام رضا (ع) و استفاده از نظریات ارزشمند آنان که با فرهنگ ایرانی - اسلامی منطبق است و بتواند به رفع کمبود دستگاه تعلیم و تربیت کمک کند لازم است. بیان مبانی فلسفی و اخلاقی و آرای تربیتی امام رضا (ع) و معرفی آن به متریان می‌تواند راه را به منظور خودشناسی و خودسازی و در نهایت دستیابی به سعادت همراه سازد در این راستا مسئله اصلی نویسندگان مقاله آن است که دیدگاه‌های اخلاقی امام رضا (ع) را مشخص و بر مبنای آن اصول و روش‌هایی را برای تربیت اخلاقی بیان کنند.

اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه امام رضا (ع)

اهداف تربیتی مورد نظر امام رضا (ع) به دو صورت: اهداف غایی، واسطی و دیگر اهداف مربوط به تعلیم و تربیت قابل طرح است. هدف غایی از دیدگاه امام رضا (ع) و همه بزرگان اخلاق، تهذیب اخلاق یا تربیت اخلاقی تلقی می‌شود؛ یعنی تمام کوشش‌های تربیت اخلاقی در نهایت باید فرد را به سعادت شایسته خودش نائل گرداند. عالی‌ترین مرتبه این سعادت و کمال از نظر این بزرگان همان قرب الی الله می‌باشد.

اهداف واسطی: به نظر امام رضا (ع) سعادت و کمال بدون مقدمه و دستیابی به هدف‌های زمینه صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل امام رضا (ع) هدف‌های مراتب پایین‌تر در تربیت اخلاقی را مطرح می‌کنند. معمولاً اصول تربیت، قواعد همگانی است که می‌توان آنها را به منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده نمود. یعنی این اصول مبنای استخراج و روش‌های تربیتی به شمار می‌رود و روش‌ها مترتب و متفرع بر این اصول است (باقری، ۱۳۸۲: ۶۸) به یک معنا اصول و روش یکی است؛ منتهی اصل از روش کلی‌تر است.

اصول و روش‌های تربیت اخلاق از دیدگاه امام رضا (ع) به شرح ذیل می‌باشد:

اصل اول؛ اصل عبودیت

عبودیت یکی از مفاهیم عام اخلاقی است. احمد بن فارس با تشبیه و تمثیل واژه (معبد) را که یکی از مشتقات واژه عبد است را چنین تشریح می‌کند.

الذلول، یوصف باه البعیر..... الطريق العبد و هو المملوک المدلل (ابن فارس، ۱۴۲۲: ۷۰۳/۲)

عبد به معنای رام شده است شتر بدان وصف می‌شود... راه معبد یعنی راهی که همواره نرم باشد. امام صادق (ع) در تشریح معنای عبودیت می‌فرماید: بندگی گوهری است که باطن آن ربوبیت است پس هر چه از بندگی به دست نیامده باشد، در ربوبیت یافت می‌شود و هر چه از ربوبیت پنهان باشد می‌توان در بندگی بدان رسید. (امام صادق، ج ۶، باب ۱۰۰) استمرار عبادت روح را به مرتبه عبودیت می‌رساند و انسان را از برکت‌ها و موهبت‌هایی که خدا در اکسیر اعجاز آمیز عبودیت قرار داده است بهره‌مند می‌سازد. امام علی (ع) فرمودند: هر کس شرایط بندگی را به جای آورد سزاوار آزادگی می‌شود. (تمیمی آمدی، ۱۳۸۸: ۸۵۲۲)

ابراهیم بن عباس - که مدت‌ها در نزد امام رضا (ع) بود نقل می‌کند: آن امام بزرگوار علیه‌السلام خوابش اندک و بیداریش زیاد بود، بیشتر شبها را تا به صبح به بیداری می‌گذراند، و زیاد روزه می‌گرفت و سه روز روزه در ماه از او فوت نمی‌شد و می‌فرمود: این روزه سال است و آن حضرت نیکی و صدقه در پنهانی زیاد داشت، و بیشتر آنها نیز در شبهای تاریک بود و اگر کسی پندارد که همانند او را در فضیلت دیده است از او باور نکنید (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸: ق: ۱۸۴).

روش‌های تربیتی اصل اول

۱- روش دعا

در لغت، به معنی میل دادن چیزی و متوجه نمودن چیزی به خود با کلام و صدا است. معنی واضح آن طلب کردن است. در اصطلاح بدین معنی است که یک فرد نیازمند و فرودست از فرد برتر با خضوع و خشوع چیزی را بخواهد، در متون اسلامی این عمل از بهترین اعمال شناخته شده است که در کتب دینی به تفصیل به آن اشاره شده است. از فواید دعا و نیایش (نماز)، زدودن غم دلهاست و درد دل کردن با خالق خویش. چون انسان همواره نیازمند است که گرفتاری‌ها و دردهای خویش را به دیگری بازگو نماید در غیر اینصورت انسان قادر به حیات نمی‌شود، قدرت زندگیش از دست می‌رود و با مشکلات روانی مواجه می‌گردد و اگر ذکر خدا (نماز و دعا) برای انسان اعتماد و اطمینان قلبی و آرامش جان و دل نیابد مصداق مفهوم آیات کریمه سوره الماعون می‌فرماید: «وای بر نمازگزارانی که دل از یاد خدا غافل دارند و از حقیقت و روح آن غفلت کنند آنها که همانا ریا و خودنمایی می‌کنند»

حضرت رضا علیه‌السلام همیشه به اصحاب خود می‌فرمود: بر شما باد به اسلحه ی پیامبران، گفته شد: اسلحه ی پیامبران چیست؟ فرمود: دعا. (کلینی، ج ۴، ص ۲۱۴).

۱- روش توکل

توکل به معنای اعتماد قلبی در امور به خداوند متعال است در تشریح معنای توکل امام رضا (ع) می‌فرماید: سَأَلَ الرضا علیه‌السلام: عن حَدِّ التَّوَكُّلِ؟ فقال علیه‌السلام: أَنْ لَا تَخَافَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ. [ابن شعبه، ۱۳۸۰: ۴۴۵]. از امام رضا علیه‌السلام از حقیقت توکل سؤال شد. فرمود: اینکه جز خدا از کسی نترسی. وکل درجاتی دارد که یکی از آنها این است که درهرکاری که به تو مربوط است به خداوند اعتماد کنی و از آنچه که نسبت به تو انجام می‌دهد خشنود باشی و بدانی که او جز خیر برای تو نمی‌خواهد و بدانی که حکمت در این است که کارت را به او واگذار کنی. و دیگر اینکه به این امر ایمان داشته باشی که خدا چیزهایی می‌داند که تو از آنها بی‌اطلاعی و باید علم آن‌ها را به خدا واگذار نمایی و به غیر اعتماد نداشته باشی. « بنا بر این تفسیر از امام رضا علیه‌السلام درمی‌یابیم توکل کردن بر خدا مفهومی جز این ندارد که انسان در برابر مشکلات و حوادث زندگی و دشمنی‌ها و سرسختی‌های مخالفان و پیچیدگی‌ها و احیاناً بن‌بست‌هایی که در مسیر خود به‌سوی هدف دارد، درجایی که توانایی برگرداندن آن‌ها ندارد او را وکیل خود سازد، به او تکیه کند و از تلاش و کوشش بازنايستند، بلکه در آنجا هم توانایی برانجام کاری دارد، باز مؤثر اصلی را خدا بداند، زیرا از دریچه چشم یک موحد سرچشمه تمام قدرت‌ها و نیروها، او هست. در آیات مختلف قرآن مجید در احادیث و روایات ائمه معصومین (ع) بارها امت اسلامی به توکل سفارش شده است. توکل در کارها و فعالیت‌ها به فرد متوکل نیروی قلبی و امیدواری می‌دهد، نه اینکه از کار کردن جلوگیری کند. یعنی توکل عین کار و کوشش است. (میر یحیی، ۱۳۹۹: ۷).

مولوی می‌فرماید:

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر بیند

از امام رضا (علیه‌السلام) نقل شده است ایمان دارای چهار رکن می‌باشد:

۱- توکل به خدا ۲- رضا به قضاء او ۳- تسلیم در برابر امر او ۴- واگذار کردن امور به او (الامین، ۱۳۷۱: ۱۴۷/۴).
و همچنین امام رضا (ع) می‌فرماید: به خداوند خوشبین باش، زیرا هر که به خدا خوشبین باشد، خدا با گمان خوش او همراه اوست. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۵/۲)

بالاخره می‌توان گفت افراد متوکل به پیش آمدها معنایی غیر از معنای ظاهری می‌دهند. اگر اتّفاقی پیش آید خواست و اراده خداوندی را در آن دخالت می‌دهند و به مضمون آیه کریمه قرآن مجید متوسل می‌شوند «چه بسا ناخوش دارید چیزی را در حالیکه خیری در آن باشد و چه بسا چیزی را خوش آیند بدانید در حالیکه بدی در آن است. خداوند می‌داند در حالی که شما نمی‌دانید» (سوره البقره آیه ۲۱۶).

اصل دوم: اصل زهد و تقوا

محمد بن عباد یکی از یاران امام رضا درباره رفتار زاهدانه آن حضرت می‌گوید: پوشش ابوالحسن علیه السلام در طول تابستان همواره یک بوریا بود. ایشان در طول زمستان با همه عظمت و وقاری که داشتند پوششی ساده داشتند و به دور از هرگونه علامت گذاری و یا این که رنگ مخصوصی داشته باشد همیشه لباس زیر به تن می‌کردند مگر آنکه می‌خواستند پیش مردم و به دیدن آنها بروند که در آن وقت بهترین لباس خود را می‌پوشیدند. (علی بن عیسی الاربلی ۱۳۸۵: ۱۵۷/۳).
این رفتار زاهدانه حضرت رضا (ع) نشان می‌دهد که وی با داشتن رفاه اقتصادی این اعمال را برای افزایش نورانیت قلبی و پاکی روح انجام می‌داده است.

روش‌های تربیتی اصل دوم

۱- روش دوری از ریا

ریا مشتق از رویت است و به معنی تظاهر و نشان دادن خویش به غیر است؛ یعنی اینکه انسان به خواهد بارائه و نشان دادن کارهای نیک خود، مقام و منزلتی در دل مردم پیدا کند. امام خمینی ریا را چنین تعریف می‌کنند: «ریا عبارتست از نشان دادن و انمود کردن چیزی از اعمال حسنه یا خصال پسندیده یا عقاید حقه به مردم، برای منزلت پیدا کردن در قلوب آنها و اشتهار پیدا کردن نزد آنها به خوبی و صحت و امانت و دیانت بدون قصد صیحح الهی.» (خمینی [امام]، ۱۳۸۷: ۳۵). در قرآن کریم در چند مورد به ریا اشاره شده است برای نمونه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل مکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مَثَل او همچون مَثَل سنگ خارا می‌باشد که بر روی آن، خاکی (نشسته) است، و رگباری به آن رسیده و آن (سنگ) را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان (=ریاکاران) نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند؛ و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (سوره بقره-آیه ۲۶۴)
از ائمه علیهم السلام نیز در مورد ریا روایات مختلفی نقل شده که به چند نمونه آن ذیلا اشاره می‌شود. این احادیث از اصول کافی، جلد ۳ باب ریا انتخاب شده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: هرگونه ربائی شرک است، هر که برای مردم کار کند پاداشش به عهده مردم است و هر که برای خدا کاری کند، ثوابش بر خداست. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۴۰۱)
و باز از امام رضا (ع) نقل شده است که پنهان کننده کار نیک [پاداشش] برابر هفتاد حسنه است، و آشکار کننده کار بد سرافکننده است، و پنهان کننده کار بد آمرزیده است. (کلینی ۱۴۰۷: ۴/۱۶۰).

۲- روش پرهیز از گناه

امام رضا در زمینه‌ی پرهیز از گناه می‌فرماید: امام رضا (ع) با اسناد نقل شده فرمود، پیامبر خدا فرموده است که خدای عز و جل

می فرماید: ای فرزند آدم! آیا انصاف نمی دهی؟ من تو را دوست دارم و نعمت‌ها به تو ارزانی داشتم، و تو با گناهان با من دشمنی می کنی. خیر و برکت من به سوی تو نازل می شود، ولی شر و زشتی گناه تو به سوی من بالا می آید، و همواره فرشته ای بزرگوار هر روز و شب کارهای زشت تو را به سوی من می آورد. ای فرزند آدم! اگر بشنوی که کسی از تو سخن گفته، به سوی او می شتابی و با او دشمنی می کنی، اگر چه نمی دانی که در باره تو چه سخنی گفته است. (صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ج ۱: ۱)

اصل سوم: اصل تذکر

واژه تذکر به معنی یادآوری است. انسان به دلیل این که در دنیا دچار فراموشی و غفلت از یاد پروردگارش می شود و امکان دوری از راه حق در او وجود دارد، پس انسان نیازمند راه نجاتی است که تا مکارم اخلاقی را فراموش نکند و آن راه تذکر است. همان طور که خداوند در قرآن پیامبرش را فردی متذکر توصیف کرده است. چنانچه می فرماید: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (قرآن، غاشیة، آیه ۲۱)

انسان کامل به هر اندازه به خدا نزدیکتر باشد به همان اندازه خشوع و بندگی اش در مقابل خدا بیشتر می گردد، چنین کسانی هدفشان در عبادت فقط سپاس نعمتهای خداوند و نظرشان به قرب پیشگاه ابدیت می باشد. این بزرگترین امتیازات مردان الهی در ارتباط با خداست، محور اصلی زندگی آنها خدای تعالی و عشق به خداست، شدت توجه به خدا موجب شده بود که آنها لحظه‌های از حق غافل نشوند، به طوری که اگر گاهی حالت غفلت در خواب یا بیداری به آنها دست می داد آن را برای خود گناه به حساب می آوردند. (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۲/۴۲۰)

امام رضا (ع) می فرماید: «خوشا بحال کسی که از روی خلوص عبادت کند و دعا بخواند و دلش رابه آنچه بیند مشغول نکند و خدا را فراموش نسازد و هر چه می شنود به آن توجه نماید، و از آنچه دیگران بدست می آورند محزون نگردد» (مجلسی، ج ۶۷)

روش‌های تربیتی اصل سوم

۱- روش سپاس نعمت‌های خدا

شکرگزاری از نعمت‌های الهی، آثار و نتایج ارزشمندی را برای انسان در همین دنیا به ارمغان می آورد که آشکارترین آن «فراوانی روزی»، «فزون خیر و برکت»، «دوام و ماندگاری نعمت» و «در امان مانی نعمت از بلا و نقت» می باشد؛ همان گونه که در قرآن به آن اشاره شده است: «وَإِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ رِيبًا مِنْ رَبِّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ پروردگارتان اعلام داشت که: اگر شکرگزاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود؛ و اگر کفران و ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است». (سوره ابراهیم، آیه ۷) امام رضا در این مورد می فرماید: هر کسی از نعمت‌های خدا سپاسگزاری نکند از خداوند متعال سپاسگزاری نکرده است. (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۱/۱۱).

۲- روش انذار و تبشیر

إِنَّ اللَّهَ يُنِصُّ الْقِيلَ وَالْقَالَ - وَ إِضَاعَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ (ابن شعبه، ۱۳۸۰: ۴۴۳). به درستی که خداوند، داد و فریاد و تلف کردن مال و پر خواهشی را دشمن می دارد. همانگونه که در روایتی از مرحوم کلینی که روایت می کند امام رضا با دیدن رفتار اسراف گرایانه ی غلامان خود آنها را انذار داده است. مرحوم کلینی به سند خود از یاسر خادم روایت کرده که گوید: غلامان آن حضرت روزی میوه‌های را خوردند و خوب تمامی آن را نخوردند و تمه‌اش را به دور انداختند، امام علیه‌السلام که چنان دید بدانها فرمود: سبحان الله! اگر شما از این میوه بی‌نیاز گشته و نیاز خود را از آن برده‌اید مردمانی هستند که بدان نیازمندند. (کلینی، ج ۶، ص ۲۹).

اصل چهارم: اصل اعتدال

اعتدال، یعنی میانه روی و حد فاصل میان افراط و تفریط که چنین کاری از نظر اسلام، در همه چیز مطلوب است.

قرآن مجید، درباره یکی از ویژگی‌های ممتاز بندگان خالص خداوند بزرگ چنین می‌فرماید: آنان کسانی هستند که هر گاه انفاق کنند نه اسراف کنند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو، اعتدال می‌ورزند. (فرقان: ۶۷) این آیه، بیانگر یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی است که رعایت آن، سبب آسایش و آرامش فرد و جامعه می‌گردد. همچنین، بسیاری از گره‌ها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی را برطرف می‌کند. این مسئله، اعتدال است. امام رضا می‌فرماید: بر شما باد به میانه روی در فقر و ثروت، و نیکی کردن چه کم و چه زیاد، زیرا خداوند متعال در روز قیامت یک نصفه خرما را چنان بزرگ نماید که مانند کوه احد باشد. (مجلسی، ج ۷۸، ص ۳۴۷).

روش‌های تربیتی اصل چهارم

۱- روش میانه روی در کارها

رعایت نکردن میانه روی و اعتدال در هر چیز از جمله مسائل مالی و فعالیت‌های مختلف زندگی باعث انحراف و گمراهی از راه خداست امام علی (ع) در وصیت به حضرت مجتبی (ع) فرموده است: فرزند عزیز در شئون زندگی و امور عبادی میانه رو باش و از افراط بپرهیز. (قمی، ج ۲، ص ۳۱) امام رضا (ع) هم در این زمینه می‌فرماید: نسبت به مصارف مالی درباره خود و همسر خود معتدل و میانه رو باش (نوری، ج ۲، ص ۴۲۳)

۲- روش نرمش قهرمانانه

از این روش امام رضا (ع) تحت فشار مامون که ایشان را مجبور به پذیرش مقام ولی عهدی می‌کند استفاده می‌کنند و چنانکه مامون به حضرت می‌گوید: اگر نپذیری تو را مجبور خواهیم کرد، و اگر پافشاری کنی گردنت را خواهیم زد... و در اینجا بود که امام علیه‌السلام به ناچار پذیرفت، و در پایان مراسم نیز دست به درگاه خدای تعالی بلند: کرده فرمود: «خدایا تو می‌دانی که من مجبور و درمانده شدم پس در این باره مرا مؤاخذه نکن همان گونه که بنده و پیامبرت یوسف را مؤاخذه نفرمودی هنگامی که حکومت مصر را پذیرفت!» (علل الشرایع ۱۳۸۰: ۱/۲۲۶)

اصل پنجم: اصل عزت

عزت در اصل به معنای صلابت و حالت شکست‌ناپذیری است و بر همین اساس در معانی دیگری از جمله غلبه، صعوبت، سختی، غیرت و حمیت و مانند اینها به کار رفته و توسعه معنایی پیدا کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷)

تربیتی که بنیادش بر ایجاد عزت در آدمیان باشد، تربیتی است که در تحکیم و تثبیت شخصیت انسانی آنان و حفظ ایشان در برابر وسوسه‌ها و معاصی موفق خواهد بود. هیچ چیز مانند فقدان عزت، آدمی را مستعد تباهی نمی‌سازد، زیرا عزت است که انسان را محکم و استوار و شکست‌ناپذیر می‌سازد و چون ذلت بر وجود آدمی حاکم شود، او را آماده پذیرش هر خوارگی و پستی می‌گرداند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۴: ۲۲۸) خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون، سوره ۶۳، آیه ۸). و حال آن که عزت ویژه خدا و رسول و اهل ایمان است؛ ولی منافقان از این معنی آگاه نیستند». از این آیه استنباط می‌شود که شرط اینکه انسان مومن باشد باید به عزت افراد دیگر احترام بگذارد. اصل عزت از مهمترین اصول سیره امام رضا (ع) و از بنیادی‌ترین امور دین است. آن حضرت داشتن عزت نفس را یکی از صفات ضروری مؤمنان دانسته و می‌فرماید: پنج چیز است که در هر کس نباشد امید چیزی از دنیا و آخرت به او نداشته باش: ۱- کسی که در نهادش اعتماد نبینی، ۲- و کسی که در سرشتش کرم نیایی، ۳- و کسی که در آفرینش استواری نبینی، ۴- و کسی که در نفسش نجابت نیایی، ۵- و کسی که از خدایش ترسناک نباشد. (مجلسی، ج ۷۸، ص ۳۳).

روش‌های تربیتی اصل پنجم

۱- روش تکریم شخصیت افراد

امام رضا (ع) به همه ی انسانها احترام می‌گذاشتند و شخصیت همگان را ارج می‌نهادند و حقوق انسانی همه را پاس می‌داشتند،

پیرو هر دینی و آیینی بودند در این روش تأثیری نداشت. یاسر (خدمتگزار امام) گوید: نامه ای از نیشابور به مأمون رسید (به این مضمون): مردی زرتشتی هنگام مرگ وصیت کرده است که مال زیادی را که از او باقی می ماند، میان بینوایان و تهیدستان تقسیم کنند. قاضی نیشابور آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. مأمون به امام رضا (ع) گفت: ای سرور من! در این موضوع چه می فرمایید؟ امام (ع) فرمود: زرتشتیان برای بینوایان مسلمان وصیت نمی کنند. نامه ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیات های مسلمانان بر دارد و به بینوایان زرتشتیان بدهد. (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۱۵/۲)

رعایت ارزش انسانها و احترام به اندیشه و عقیده ی آنان در اندیشه ی امام تا بدان جا بود که به خواسته های آنان، حتی پس از حیاتشان نیز احترام می گذاشت و آن را گرمی می داشت تا مردمان بیاموزند که انسان و ارزش و شخصیت انسانی افراد پس از مرگشان نیز، محترم است و خواسته هایشان حتی پس از مرگ باید پاس داشته شود. ریان بن شیبیب نیز گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم: خواهرم وصیت کرده است برای گروهی از مسیحیان (که به آنان مالی بدهم) و من می خواهم این (مال) را به گروهی از هم کیشان مسلمان خود بدهم. امام فرمود: وصیت را بدان سان که هست اجرا کن. خداوند - متعال - گفته است: «گناه آن، بر کسانی است که در آن (وصیت) را تغییر بدهند. (بقره، آیه ۱۸۱)» (کلینی، ج ۷، ص ۱۶)

۲- روش نپذیرفتن ذلت

ذلت به معنی خواری است و پرداختن به اموری که موجب خواری انسان می شود. همان طور که امام حسین (ع) در بخشی از سخنرانی خود در روز عاشورا فرمودند: به خدا سوگند، نه دست ذلت و خواری به شما می دهم و نه چنان بردگان می گیریم. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۱۳۵)

امام رضا (ع) در این مورد می فرماید: لَا يُقْبَلُ الرَّجُلُ يَدَ الرَّجُلِ - فَإِنَّ قُبْلَةَ يَدِهِ كَالصَّلَاةِ لَهُ (ابن شعبه، ۱۳۸۰: ۴۵۰) کسی دست کسی را نبوسد، زیرا بوسیدن دست او مانند نمازگزاری به اوست.

۳- روش احترام به آزادی دیگران

اصل آزادی و آزادی انسانی، از بزرگ ترین اصول انسانی است که همگان خواستار آنند و همواره در تاریخ، انسانهای بزرگ و رهبران راستین بشری از آن سخن گفتند و کوشیدند تا این اصل را فراگیر سازند، و توده های انسانی را از این موهبت خدایی برخوردار کنند. از سوی دیگر ستمگران و طاغوتیان و سلطه جویان در طول تاریخ در برابر حق آزادی انسانها می ایستادند و ارزش انسانها را نادیده می گرفتند و مردمان را بردگان و بندگان خود می دانستند. با آزادی خواهی مبارزه می کردند. صفحات تاریخ از این رویارویی ها و جنگ و ستیزها سرشار است. در طول تاریخ اسلام نیز، همیشه رهبران راستین، ارزش حیاتی آزادی را تبیین کرده اند و انسانها را با این حقشان آشنا ساخته اند و همواره از این حق انسانی دفاع کرده اند. زکریا (از یاران امام علیه السلام) گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم که مردی از اهل ذمه (غیر مسلمانان ساکن در کشورهای اسلامی) که به فقر و گرسنگی مبتلا شده بود، فرزندش را آورد و گفت: فرزندم مال تو، او را خوراک بده و او برده تو باشد. امام (ع) فرمود: (انسان) آزاد، خریده و فروخته نمی شود، این کار شایسته ی تو نیست. این کار درباره ی زمین نیز روا نمی باشد. (حکیمی، ۱۳۸۲: ۴۲۹)

بررسی

اهمیت اخلاق در بعد دینی و به ویژه آموزه های اسلامی و شیعی آن زمانی اهمیت پیدا می کند که دین راهنمای اخلاق باشد. یعنی مبانی سعادت و کمال حقیقی انسان را ترسیم کند. اخلاق دینی یک اخلاق حداکثری است و این حداکثری در اخلاق دینی برخاسته از نگاه جامع دین به انسان و تفسیر انسان شناسی فراطبیعی آن است. اما در اخلاق غیردینی (سکولار) به انسان و اخلاق نگاه حداقلی شده است؛ از این رو اخلاق را به ساحت دنیوی انسان محدود می کند و به ناچار نسبت به حیات و زندگی اخروی انسان بی اعتناست. بدیهی است این رویکرد نسبت به انسان و اخلاق و بر خلاف اخلاق دینی مستلزم تغییر در ملاکها و تأیید نسبیت اخلاقی است و پوچ گرایی اخلاقی و شخصیتی را به دنبال دارد.

امروزه سازمان آموزش و پرورش به طور خاص وظیفه ی تربیت را بر عهده دارد و به تربیت اخلاقی افراد می پردازد. پس باید

اصول تربیت اخلاقی فوق‌الذکر و اصول دیگر معصومین در برنامه درسی آموزش و پرورش وارد شود تا نتایج مطلوب یک تربیت اسلامی که همان حیات طیبه است به دست آید. پیشنهاد می‌شود تربیت اخلاقی در این عصر بیش از هر زمان دیگر چهره عقلانی به خود گیرد. در چنین وضعی و با حجم عظیمی از سواها و تردیدها دین‌ورزی و سخن‌گفتن از تربیت اخلاقی هنگامی دوام می‌آورد که موجودیتی موجه و مدلل داشته باشد؛ نه اینکه سلیقه‌ای باشد. لذا رسالت اصلی آموزش و پرورش در زمینه تربیت اخلاقی در عصر ارتباطات ابتدا ادغام دیدگاه‌های تربیت اخلاقی مورد نظر بزرگان و متفکران کشور با یکدیگر و با آموزه‌های مکتب اسلام و سیره تربیتی امامان شیعی (چون امام رضا (ع)) به منظور بهره‌گیری هر چه بیشتر از منافع و ذخایر عظیم اخلاقی و نیز تنظیم و تدوین اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی و سپس عمل کردن آنها در مدارس توسط مربیان است که به صورت توانمند در عرصه تربیت اخلاقی وارد شود و در رویارویی با افکار گوناگون عقلانیت آموزه‌های دینی و اخلاقی را تبیین می‌کنند.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که اهداف و اصول و روش‌ها استخراج شده از کلام امام در این پژوهش صرفاً استنتاج محققین است و چنانچه توسط محققان توانا تر به این موضوع پرداخته شود، نوع دریافت و دسته‌بندی آنها متفاوت خواهد بود که البته همگی آنها هدفی واحد را به دست خواهند آورد و آن هم رسانیدن انسان به کمال است.

نتیجه‌گیری

تربیت اخلاقی مجموعه‌ای از تدابیر و اقدامات تربیتی برای رشد آگاهی و نگرش اخلاقی و صفات و ملکات اخلاقی شایسته است. تربیت اخلاقی از اساسی‌ترین ارکان فرهنگ بشر است. برای همین این موضوع از دیر باز در فرهنگ اسلامی و نیز سایر کشورها مورد توجه پژوهشگران بوده است. از این بابت که اخلاق در برگیرنده تمام شئون زندگی انسان است و بر تمام انواع تربیت مشرف است نمی‌توان آن را از تربیت اجتماعی به دور دانست چون در هر اجتماع تربیتی اخلاقی چه خوب و چه بد حکم فرما است و تمام افعال انسان از نوع تربیت اخلاقی او حاصل می‌آید. در پژوهش پیش رو با استفاده از مبانی اسلامی اصول و روش‌هایی در سیره رضوی ارایه شد. در این بین با نگاهی به سیره‌ی سایر معصومین نیز این نتیجه کاملاً مشهود است که هدف ایشان در تربیت اخلاقی یکسان و در راستای یکدیگر بوده که باعث رشد و کمال واقعی و معنوی انسان که همان قرب الهی می‌باشد پس هدف در تمام انواع تربیت‌ها در پارادایم اسلامی یکسان است. اما هر یک از معصومین بنا به اقتضای زمان خود از روش‌های مخصوص به آن زمانه بهره می‌جستند که در این میان با بررسی احادیث و روایات به جا مانده از حضرت رضا (ع) و بر اساس معیارهای ارایه شده نتایج زیر به دست آمد:

- ۱- اصل عبودیت موجب رسیدن انسان به کمال خداجویی شده و استفاده انسان از نعمات و موهبت‌هایی که خدا اکثراً عبادت قرار داده می‌شود، که روش‌های رسیدن به عبودیت را می‌توان از روش دعا و روش توکل به دست آورد.
- ۲- اصل زهد و تقوا برای آن است که انسان دلبسته به امور دنیوی نباشد تا بتواند از آثار و برکات این اصل بهره‌جویی که از جمله آثار این اصل را می‌توان نورانیت قلب و دنیا و آخرتی نیک برشمرد. برای رسیدن به این اصل روش‌های دوری از ریا، پرهیز از گناه از شیوه‌های تربیتی اخلاقی رضوی بوده است.
- ۳- اصل تذکر باعث می‌شود انسانی که دچار غفلت از یاد خدا شده است متوجه حقیقت وجودی خود شود و یاد خدا را فراموش نکند. می‌توان با این اصل انسان را از پستی‌هایی که همواره در دنیا می‌تواند به آن دچار شود، رهایی داد و به سعادت رساند و روش‌های رسیدن به اصل تذکر، سپاس نعمات الهی و روش انذار و تبشیر است.
- ۴- اصل اعتدال از مهمترین مسایل زندگی است که رعایت آن، آسایش فرد و جامعه را به ارمغان می‌آورد و می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه و فرد را برطرف کند. روش‌های تربیتی این اصل شامل روش میانه روی در کارها و روش نرمش قهرمانانه است.
- ۵- اصل عزت باعث تکریم شخصیت افراد و برادران دینی شده که پروردگار نیز بر این اصل تأکید دارند. تمامی انسان‌ها از عزت برخوردارند و باید به همه افراد احترام گذاشت و اصل عزت در پرتوی ایمان و عقل شکل می‌گیرد و احترام را در جامعه تشکیل می‌دهد. روش‌های این اصل تکریم شخصیت افراد، نپذیرفتن ذلت و احترام به آزادی دیگران است.

کتاب نامه

کتابها

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۰)، علل الشرایع تالیف شیخ صدوق؛ ترجمه و تحقیق سیدمحمدجواد ذهنی تهرانی، قم: مومنین.
- ابن شعبه (۱۳۸۰)، تحف العقول مترجم بهراد جعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۲۲)، مقایس اللغه، بیروت، دار الحیا التراث العربی.
- ابن مسکویه (۱۴۲۲ق)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاخلاق، قم: انتشارات بیدار.
- ادیب، مریم (۱۳۹۳) تربیت دینی کودکان و نوجوان، چاپ ششم، تهران: وزارت آموزش و پرورش، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۵)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، [بی جا]: مکتبه الحیدریه.
- امام رضا (ع) (۱۴۰۶)، فقه الامام رضا (ع)، کنگره جهانی امام رضا (ع).
- امام صادق (ع) (۱۴۰۰)، مصباح الشریعه فی حقیقه العبودیه، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
- الامین، محسن (۱۳۷۱)، فی رحاب ائمه اهل البیت، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات
- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد ۱ تهران: مؤسسه فرهنگی برهان (انتشارات مدرسه).
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۸)، غررالحکم و دررالحکم، بی جا: علمدار
- حکیمی، مهدی (۱۳۸۲)، سیره امام رضا (ع)، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۷)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،
- دادبه، اصغر (۱۳۶۹)، کلیات فلسفه، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۴)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: دریا
- دینوری، ابن قتیبه (۱۴۱۸)، شرح توسط دکتر یوسف علی طویل، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۹)، تفسیر کشاف، ج ۳، تهران: ققنوس
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر همدانی، قم: دارالکتب اسلامی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، ج ۱، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- علی بن عیسی الاربلی (۱۴۲۱ق)، کشف الغمه، ج ۳، قم: انتشارات رضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، ج ۴، ج ۲، ج ۳، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، فروع کافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۳۸۶)، بحارالانوار، تهران: اسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، میزان الحکمه، قم: سازمان چاپ مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۳۶۸)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، الاحیا التراث.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۶)، اهداف تربیتی از دیدگاه اسلام، تهران سمت.

مقالات

- حسینی علائی، محمد ناصر (۱۳۸۲)، سیره معصومان [امام رضا (ع)]، فصلنامه رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، شماره ۵۱، بهار و تابستان.
- صمدی، معصومه، دوایی، مهدی و اقبالیان، طاهره (۱۳۹۱)، مبانی، اصول و روش های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیستم، دوره جدید، شماره، ۱۶ پاییز.
- فرمبهنی فراهانی، محمد و یآوری سرتختی، محمد جواد (۱۳۹۳)، اندیشه و سیره سیاسی امام رضا (ع)، معرفت، سال ۲۳، شماره ۱۹۶، صص ۸۲-۶۳.

میر یحیی، محمد (۱۳۹۹)، توکل در کلام و سیره رضوی، روزنامه رسالت، تیرماه.
نساچی زواره، اسماعیل (۱۳۸۴)، «راهبردهای تکریم شخصیت در سیره معصومین(ع)»، ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۸۹.